

سرگرمی‌های مردم در عصر قاجار و پهلوی

۸ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۵۱

کتاب «سرگرمی‌های مردم تهران در دوران قاجار و پهلوی» اثر محمدحسین ناصر بخت نگاهی به تفریح و سرگرمی مردم تهران در دو عصر قاجار و پهلوی دارد.

کتاب «سرگرمی‌های مردم تهران، در دوران قاجار و پهلوی» تألیف محمدحسین ناصر بخت پنجمین اثر از مجموعه «تهران شهر» است که از سوی دفتر پژوهش‌های فرهنگی منتشر شد.

این کتاب به تفریح و سرگرمی مردم تهران در دو عصر قاجار و پهلوی می‌پردازد. «سرگرمی‌های مردم تهران، در دوران قاجار و پهلوی» در دو فصل «سرگرمی‌های مردم تهران در عصر قاجار» و «سرگرمی‌های مردم تهران در عصر پهلوی» تنظیم شده است.

در صفحات آغازین کتاب «با عنوان طرح تهران شهر» آمده است: «کوشش ما این است که اوضاع فرهنگی این شهر را از زمانی که عنوان «پایتخت» پیدا کرد دنبال کنیم و تاریخ این شهر را از دیدگاه زندگی فرهنگی بشکافیم تا بدانیم تهران چگونه تهران شد، یعنی مردم ساکن این شهر، چه تهرانی‌ها و چه غیرتهرانی‌ها، چگونه و بر اثر کدام تحول سیاسی - اجتماعی یا فرهنگی، شیوه زندگی خود را تغییر دادند، شیوه گفتار و رفتار و کردار و حتی سلیقه و اندیشه را.» (ص ۸)

سرگرمی‌های مردم تهران در عصر قاجار

در فصل نخست «سرگرمی‌های مردم تهران در عصر قاجار» در رابطه با آزادی در انجام برخی تفریحات می‌خوانیم: «با بررسی سیر تحول تفریحات از ابتدای دوران قاجار تاکنون می‌توان به بسیاری از ناگفته‌های زندگی پایتخت دست یافت، زیرا در حالی که سرگرمی‌های روز بیش‌تر در پیش روی همگان انجام می‌پذیرفت تاریکی شب‌بسان پوششی برای پنهان شدن و داشتن آزادی بیشتر برای برخی تفریحات که ایرانی‌ها هنوز جسارت انجام آن در ملأعام را نیافته بود، مورد بهره‌برداری قرار گرفت، به‌ویژه با توجه به این که در اواخر دوران قاجار فناوری و فرهنگ غربی نیز به یاری تفنن‌طلبان آمد و آنها را در این عرصه نیز به جنب‌وجوش واداشت.» (ص ۱۷)

در همین قسمت درباره ویژگی‌های شادمانی در شب آمده است: «از دیرباز تاریکی شب همواره بستری مناسب برای بروز خلاقیت‌های مردم در زمینه چراغانی، نورافشانی، آتش‌افروزی و آتش‌بازی، که از تفریحات شبانه به‌شمار می‌آمده، بوده است. بدین

سبب این گونه مراسم همواره بخشی از تفریحات رسمی، علنی و متداول شب‌ها بوده است و این شیوه شادمانی نه فقط در تهران دوره قاجار که در شهرهای دیگر و در دوران‌های پیش نیز رواج داشته است، چنان‌که اسکندربیک ترکمان در تاریخ عالم‌آرای عباسی در شرح «مهمانی حضرت اعلی شاه‌ی پادشاه اوزبک را در خلوت‌خانه خاص» می‌نویسد: «بعد از چوگان‌بازی، قیق‌اندازی، آتش‌بازان گرم‌دست آتش فعلی اسباب آنها را مهیا کرده آتش‌بازی‌های غریب و عجیب که هرگز مشاهده نکرده بود تماشا کرده بعضی از اسباب آتش‌بازی در فیل بزرگی از افیال پادشاهی تعبیه کرده بودند در حین آتش‌دادن و توپ انداختن از آن کوه‌پیکر آتش‌خوی زمین‌نورد بادپا حرکات عجیب و مهیب مشاهده گشت که موجب انبساط خاطر جناب خانی و حاضران بساط اقدس گردید.» (ص ۳۴)

در رابطه با بازی‌های مشهور تهران می‌خوانیم: «بازی‌ها در تهران دوره قاجار در برخی از جشن‌ها نیز کاربرد داشته‌اند که معمولاً انواع نمایشی آنها در مراسم نامزدی، عقد و عروسی و امثال آن و در جشن‌های نوروز و سیزده‌بدر هم بازی می‌شدند. نکته مهم دیگری که تقریباً در تمامی بازی‌های سنتی به چشم می‌خورد و از ویژگی‌های بازی‌های سنتی تهران دوره قاجار نیز به‌شمار می‌آید ابتدایی و در دسترس بودن ابزار است. ابزاری چون چوب، سنگ، توپ پارچه‌ای، طناب، کمر بند، نردبان، حبوبات و میوه‌ها. از جمله بازی‌های مشهور این دوران، که برخی از آنها تنها ویژه شهر تهران نبودند، می‌توان به بازی‌های زیر اشاره کرد: الف. بازی سرگرمی: آب اومد، کدوم آب، آتش‌داری بالاترک، آسیاب بچرخ، عموزنجیرباف، آفتاب مهتاب چه رنگه، اشتر اپرت، اتل متل توتوله، ارش قرش، اوستا بدوش زن اوستا ندوش، کلاغ‌پر، تاپ تاپ خمیر، یک قل دوقل، باقالی به چند من، تاب‌بازی، ترنابازی، حمومک مورچه داره، نون بیار کباب ببر، هل و گلاب و...» (ص ۸۳)

برخی مناطق که مخصوص وقت‌گذرانی هستند می‌توان به قهوه‌خانه‌های تهران اشاره کرد. در این مجال درباره معروف‌ترین قهوه‌خانه‌ها آمده است: «تهران دوره قاجار نیز مانند پایتخت پیشین، قهوه‌خانه‌های متعددی داشت که عصرها پر رفت و آمدترین زمان خود را تجربه می‌کردند، که از جمله آنها می‌توان به «قهوه‌خانه یوزباشی» در پشت شمس‌العماره، که از معروف‌ترین و زیباترین قهوه‌خانه‌ها و محل تجمع خواص، شاهزادگان و اعیان و اشراف بوده، اشاره کرد که در آنجا به شنیدن شاهنامه و اشعار جدید شاعران می‌نشستند تا اگر مقبول طبع افتد راهی برای شرفیابی به حضور شاه گشوده شود و نقال و شاعر شاه‌شناس شوند. همچنین «قهوه‌خانه قنبر» در خیابان ناصریه و «قهوه‌خانه تنبل» در چهارراه سوسکی که پاتوق باباشمل‌ها و لوطی‌ها بود، «قهوه‌خانه باغ اناری» و «قهوه‌خانه عرش» در چراغ برق، که مرکز تجمع شیرهای‌ها و تریاکی‌ها بود و قهوه‌خانه‌های «امامزاده زید» و «امامزاده سیدولی» در بازار و «زرگرآباد» که مرکز تجمع مطربان پایتخت بود.» (ص ۹۹)

«نتیجه‌گیری» در صفحات پایانی فصل نخست گنجانده شده است، در این بخش می‌خوانیم: «از جمله برجسته‌ترین نشانه‌های این تنوع در میان سرگرمی‌ها را می‌توان در انواع بازی‌ها، رقص‌ها و خرده نمایش‌ها دید که در فصول پیشین آمده است: «ایرانیان ذاتاً به سنن و آداب و رسوم دیرینه خود دلبستگی تام دارند و در تمامی انقلاباتی که بر اثر تهاجمات خارجی در این سرزمین روی داده است ایرانی همیشه کوشیده که از سنت‌ها و از عادات نیاکان خود دست نکشد، ایرانی نه فقط هیچ‌گاه به آداب و رسوم فاتحان اعتنایی نکرده بلکه آنها را هم به آداب و رسوم خود آشنا و آموخته ساخته و بعد در خود تحلیل برده است.» (ص ۱۰۸)

سرگرمی‌های مردم تهران در عصر پهلوی

«سرگرمی‌های مردم تهران در عصر پهلوی» در فصل دوم با برخی پیشرفت‌ها، متفاوت از دوره پیشین است. ورود رادیو یکی از وسایلی است که سرگرمی تازه‌ای به شمار می‌آید. درباره تاثیر رادیو در قصه‌گویی آمده است: «علاقه شدید مردم به این هنر سنتی باعث شد تا در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی نیز جایی برای قصه‌گویی گشوده شود چنان‌که برنامه‌هایی چون قصه‌های شب، قصه آدینه و قصه‌گویی برای کودکان در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی با صدای افرادی چون صبحی مهتدی و مولود عاطفی تا پایان دوران حکومت پهلوی همچنان رواج داشت. از سوی دیگر رشد قشر تحصیل کرده موجب رشد قصه‌های مکتوب و توجه به رمان، داستان و به‌ویژه رشد پاورقی‌نویسی در نشریات شد که همگی ریشه در سنت قصه‌گویی دارند و افرادی چون حسینقلی مستعان، حسین مسرور، جواد فاضل، ابراهیم مدرسی، عماد عصار، ارونقی کرمانی، احمد ناظرزاده کرمانی، حمزه سردادور، محمدحسین میمن‌نژاد، امیر عشیری، رجب‌علی اعتمادی و پرویز قاضی‌سعید از صاحب‌نامان این عرصه به‌شمار می‌آیند.» (ص ۱۱۷)

موسیقی نیز با ورود رادیو حال و هوای دیگری پیدا کرد. به طوری که برنامه‌هایی که در آن زمان در رادیو در حیطه موسیقی اجرا شد اثر آن حتی تا امروز باقی مانده است. درباره نقش برنامه‌های رادیو در شکوفایی شعر می‌خوانیم: «این هم گلی بود از گلزار بی‌همتای ادب ایران، همیشه شاد و همیشه سرخوش باشید.» عبارات فوق مؤخره یکی از معروف‌ترین برنامه‌های موسیقایی رادیو بود که پخش آن حدود سی و اندی سال به طول انجامید، برنامه «گل‌ها» که به جان‌بخشی موسیقی سنتی ایرانی می‌پرداخت و دست‌اندرکاران آن، برنامه‌هایی چون برگ سبز، گل‌های جاویدان، گل‌های رنگارنگ، شاخه گل، و گل‌های صحرایی را نیز با توجه به استقبال مردم تولید کردند، برنامه‌هایی که در تولید آنها هنرمندانی چون: نی‌داود، داود پیرنیا و هوشنگ ابتهاج (ها.سایه) نقش اساسی برعهده داشتند و در مورد ثمرات کار ایشان فردی چون عبدالوهاب شهیدی می‌گوید: «برنامه گل‌ها در واقع تدریس موسیقی بود، دستگاه‌های موسیقی معرفی می‌شدند و کار مهم دیگر آن شناساندن شاعران و ترانه‌سرایان بود، هر شاعری که یک غزل خوب گفته بود در این برنامه معرفی شد.» (ص ۱۵۵)

تفریح در گذشته از تعریف خاصی برخوردار بود که شاید با نگاه امروز برخی از آنها تفریح به شمار نیایند. در این باره آمده است: «تفریحات دارای شکل و ساختار خاص خود هستند و هریک آداب و رسوم، نظام ارتباطی و الگوهای خاص عمل و ارتباط خود را عرضه می‌دارند. امروزه در معرفی تفریحات تحولات جدیدی رخ داده است و دیگر بسیاری از اتفاقات زندگی ما که نتیجه آن رضایت و سلامت باشد را نیز در رده تفریحات طبقه‌بندی می‌کنند. چنان‌که ابراز مهر و محبت در زندگی زناشویی، مطالعه با هدف لذت، گفت‌وگوها و تشکیل محافل خانوادگی، فعالیت‌های دو نفره مانند پیاده‌روی، خرید، گردش‌های خانوادگی، دیدوبازدید خانواده و دوستان، بازی با بچه‌ها، تماشای تلویزیون، ورزش در داخل و بیرون از خانه، غذا خوردن در بیرون از خانه (پیک‌نیک یا رستوران)، شرکت در مراسم مذهبی و یا حتی نیایش‌های انفرادی، سفرهای کوتاه با اتومبیل، باغبانی در خانه خود، تزیین خانه و پرداختن به انواع هنرها و صنایع‌دستی در کنار آنچه پیش از این در نوشته حاضر آمد نیز تفریح به‌شمار می‌آیند.» (ص ۲۰۳)

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۲۷۲۱/پهلوی-قاجار-در-عصر-مردم-پای-سرگرمی/>